



لبخندِ خدا در صبح‌رویش

گزارشی تطبیقی از مدرسهٔ
صبح‌رویش و حقوق کودکان

■ مرجان زارع‌هرفته

حرفه‌ای: یادگیری اولیهٔ ۱۰۰ شغل واقعی از پایهٔ چهارم تا هفتم از جمله: برق‌کشی، شیرینی‌پزی، حسابداری، فیلم‌برداری، تأسیسات، خیاطی و... است.

شعار مدرسه: آموزش فقط ریاضی و فارسی و علوم نیست. در زندگی باید چیزهای دیگری هم برای ساختن آیندهٔ بهتر آموخت.

#انتخاب محل مدرسه:

برای کودکانی که از آزادی محروم هستند، باید مقولهٔ آموزش همواره و فارغ از مکان زندگی‌شان فراهم و در دسترس باشد. البته این امر بدون در نظر گرفتن و عملی شدن حق بر آموزش کودکان، بعید است رخ دهد.

در محلهٔ «دروازه غار» جایی در پایین‌ترین نقطه شهر، در میان ساختمان‌های کج و معوج و مخروبه، پارک بزرگی است که زمانی محل خواب و زندگی معتادها و کارتن خواب‌های شهر بوده، اما مدتی است حوالی آن مدرسه‌ای روییده و خانه امید بچه‌هایی شده که به جبر جغرافیا مجبور به

۱. مطالب رنگی از منابع مربوط به حقوق کودک استخراج شده است.

قالب یک مجتمع خلاقیتی، مهارتی، آموزشی و مدرسه‌ای و صرفاً برای کودکان کار بنیان نهادند.

این مؤسسه در حال حاضر دارای هفت مرکز، شامل دو دبستان پسرانه و دخترانه، دو دبیرستان متوسطه دوره اول پسرانه و دخترانه و سه مرکز فنی و حرفه‌ای و مهارتی در محدودهٔ میدان شوش، دروازه غار و خیابان‌های حوالی آن است و برنامه‌های آموزشی و مهارتی را برای دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی، متوسطه دورهٔ اول و بعضاً خارج از این گروه‌های سنی اجرا می‌کند.

چهار مهارت اصلی که در این مدرسه مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آن برنامه‌های آموزشی طراحی شده است، شامل: **مهارت فکری:** تفکر انتقادی، تفکر خلاق، خودآگاهی، تجزیه و تحلیل و...، **مهارت ارتباطی:** ارتباط با خود، خدا، دیگران، طبیعت؛ مانند ارتباط مؤثر، همدلی، ارتباط مثبت اجتماعی و...، **مهارت تصمیم‌گیری و کنشگری:** حل مسئله، مدیریت فردی و اجتماعی، کنترل خشم، مهارت نه‌گفتن، خودساختگی و... و همچنین **مهارت**

حق آموزش کودکان به دو بخش اصلی حق بر آموزش و حق در آموزش تقسیم می‌شود. حق بر آموزش شامل موجود بودن و در دسترس بودن است و حق در آموزش نیز قابل قبول بودن و قابل انطباق پذیر بودن را دربر می‌گیرد. در بخش قابل انطباق بودن یا وفق‌پذیری، به نیازهای خاص آموزش در خارج از مدرسه پرداخته می‌شود و کودکان کار، کودکان معلول (دارای توانایی‌های متفاوت)، کودکان پناهنده و کودکان محروم از آزادی را پوشش می‌دهد.

گزارش پیش‌رو تطبیقی است میان آن چه طی بازدید صورت گرفته از مدرسهٔ صبح‌رویش مشاهده شد و همچنین مباحث مربوط به حقوق کودکان و به‌طور خاص کودکان کار.

رویکرد صبح‌رویش:

در سال ۱۳۹۳ «سیدمحمد حسن داودی شمسی»، «ساراراضاحاجی»، «اعظم قاسمی» که پیش از آن هرکدام به‌طور جداگانه به فعالیت‌های جهادی و کمک به کودکان می‌پرداختند، به یکدیگر پیوسته و طی تصمیمی بزرگ مدرسهٔ صبح‌رویش را در

مهاجرت و به جبر اجتماع مجبور به انجام کارهایی شده‌اند که هیچ تناسبی با روح لطیف و کودکنه‌شان ندارد. در همین راستا، مسئولین پایه‌های مدرسه جدید را بر بنای مخروطی مدرسه‌ای با قدمت بیش از ۵۰ سال گذاشتند.

جایی:



صبح رویش در طرحی دیگر به نام «جایی»، محدوده آموزش کودکانی که آمدن به مدرسه برایشان مقدور نیست و مجبور هستند سر چهارراه‌ها و خیابان‌ها کار کنند را گسترش داده است. جایی یک ون خوشبخت است سرشار از رنگ. کف آن چمن مصنوعی است. کتابخانه، تلویزیون و یک تخته وایت برد کوچک دارد. پرده‌های آن با نقاشی‌های بچه‌ها رنگ گرفته و زیباتر شده و سکوهای دارد که دورتادور آن با تشکچه‌های رنگی، انتظار بچه‌هایی را می‌کشد که کم‌ترین حقشان سوادآموزی است. جایی حوالی ظهر با چند مربی و معلم در خیابان‌های منطقه به سر چهارراهی می‌رود که کودکان کار آن جا مشغول به کار هستند. کودکانی که خانواده‌هایشان اجازه نمی‌دهند به مدرسه بروند. جایی کنار خیابان می‌ایستد و به بچه‌ها تغذیه می‌دهد. هر مربی با چند کودک مشغول یک فعالیت آموزشی و تربیتی می‌شود. یک تیم کتاب می‌خواند، یک تیم نقاشی می‌کشد و تیم دیگر بازی‌های مورد علاقه‌شان را انجام می‌دهد. کودکان سر این

چهارراه‌ها می‌دانند که جایی سر چه ساعتی و کجا می‌ایستد. بچه‌ها در آن ساعت انتظار ورود جایی را می‌کشند. هر چند این یک آموزش رسمی نیست، اما بچه‌ها خواندن و نوشتن و جمع و تفریق را یاد می‌گیرند؛ در واقع سواد پایه را.

#شیوه تدریس:

الگوی آموزشی کودک محور، الگوی مؤثرتری نسبت به الگوی آموزشی آموزگار محور است. کودکانی که در آغاز هزاره سوم و در عصر رسانه‌ها در حال رشد هستند، به راهبردهای آموزشی جانشین ساکت‌نشستن، گوش دادن و تماشا کردن نیاز دارند. شیوه آموزشی مناسب این دوره، شیوه‌ای است که در آن دانش‌آموزان بتوانند در آموزش، کاوش، چاره‌یابی، بازی و گفت‌وگوی فعالانه شرکت کنند. در این راهبرد، آموزگار به سرپرست، مربی و همکار بدل می‌شود.

در صبح رویش، انطباق شیوه آموزشی با تجارب زیسته بچه‌ها و توجه به توانایی‌های سنی آن‌ها در نظر قرار گرفته می‌شود. محتواهای به کار رفته نیز اغلب از کتاب درسی است اما معلم بر اساس ویژگی‌های هر کلاس و هر دانش‌آموز عمل می‌کند و به این دلیل که اسفند، ماه پُرکار و شلوغ کودکان کار است، سال تحصیلی برای این بچه‌ها قدری بیش تر طول می‌کشد و معمولاً تا مرداد ماه ادامه می‌یابد. بنابراین هر چند هم که معلمان طبق سرفصل‌های آموزشی پیش بروند، اما با توجه به شرایط کلاس و شیوه آموزش، بودجه‌بندی زمانی تعیین می‌شود. با توجه به شرایط خاص بچه‌های این مدرسه، خلاقیت یکی از ملاک‌های مهم در گزینش معلمان صبح رویش است. به طور کلی معلم در دو سطح شخصیتی و تخصصی محک زده می‌شود. معلم باید با توجه به آسیب‌های

هرکدام از بچه‌ها در هر کلاس و به واسطه گوش دادن به آن‌ها و درد دل‌هایشان راهکار خود را ارائه دهد.

کلاس درس: تیم ما حین بازدید از این مدرسه نمونه عینی تدریس را در همان بدو ورود مشاهده کرد. یک کلاس در حیاط مدرسه برپا بود. مربی در حالی که بشقاب‌های مواد غذایی مختلف به بچه‌ها می‌داد، از آن‌ها می‌خواست تا حین خوردن، بگویند هر طعم را با کدام قسمت از زبان‌شان حس می‌کنند. با این روش از تدریس محتوا به خوبی در ذهن بچه‌ها ماندگار می‌شود؛ در واقع یادگیری در محیطی غنی با کمترین امکانات ...

دهکده: دهکده، یک محیط غنی دیگر برای یادگیری و ارتباط با طبیعت است. در این فضا خاک برای کشاورزی و کاشت سبزیجات و ... آماده و برای حیوانات اهلی مکانی در نظر گرفته شده است. کنار آن هم استخری وجود دارد که بچه‌ها می‌توانند تنی به آب بزنند و دوش بگیرند.

#تشویق به همکاری و مسئولیت‌پذیری:

همکاری و مسئولیت‌پذیری در صبح رویش اصلی اساسی است برای بالا بردن عزت نفس و اعتماد به نفس کودکانی که در طول روز بارها در معرض انواع آسیب‌ها قرار می‌گیرند و خودباوری‌شان خدشه دار می‌شود. در این مدرسه ناظم وجود ندارد، تفکر پادگانی وجود ندارد و مسئولیت‌ها بر عهده خود بچه‌ها است. آن‌ها مدرسه را بخشی از زندگی خود می‌دانند و یاد می‌گیرند چطور نه بگویند، چگونه در جامعه نقش ایفا کنند، کار گروهی و تیمی را تجربه می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه دست به انتخاب بزنند.

مدرسه صبح رویش به توانایی‌های کودکان باور دارد و این را نه به عنوان یک شعار بلکه به عنوان یک اصل در برنامه‌های خود قرار داده است. دیوارهای این مدرسه توسط





بچه‌ها رنگ و نقاشی شده و بطری‌های نوشابه با هنر مکرمه بافی تزیین و به گلدان‌هایی سبز تبدیل شده است. ده دقیقه پایانی هر کلاس هم با عنوان زنگ آراستگی نامگذاری شده تا بچه‌ها به این واسطه خودشان نظافت کلاس و مدرسه را انجام دهند، فارغ از این که فکر کنند این کار، وظیفه آن‌ها نیست. وعده صبحانه و نهار را بچه‌ها در مدرسه صرف می‌کنند که توسط خیرین برای آن‌ها تهیه می‌شود اما توزیع توسط دانش‌آموزان انجام می‌شود. بچه‌ها با این روش می‌آموزند که اگر کسی بیش‌تر از سهم خود درخواست کند، ممکن است به دیگری غذا نرسد، پس یاد می‌گیرند که در توزیع، عدالت را رعایت کنند. در این محیط زمینه‌های مشارکت بچه‌ها فراهم شده است و باور قلبی به توانایی‌های آن‌ها وجود دارد، بنابراین بچه‌ها می‌آموزند که منفعل نباشند و خود را خالق و تأثیرگذار بدانند، نه قربانی.

انسانی کردن محیط کتاب‌خانه: یکی دیگر از نشانه‌های اعتماد به کودکان، برپایی کتاب‌خانه باز است. به این صورت که در راهروی مدرسه چند صندلی به شکل U چیده و جلوی صندلی‌ها قفسه‌ای به دیوار نصب شده است. در این نوع کتاب‌خانه، کتاب‌ها توسط خود بچه‌ها برداشته و از آن‌ها خواسته می‌شود بعد از خواندن، کتاب‌ها را به قفسه برگردانند. خوش‌بختانه در این مدرسه بچه‌ها به خوبی پاسخ این اعتماد را داده‌اند، بدون این که اسمشان جایی ثبت یا امضایی گرفته شده باشد. در این کتاب‌خانه از پیام‌های منفی (مثل خیر، دست نزنید، بسته است، اجازه نیست و...) خبری نیست. این مدرسه به جز کتاب‌خانه‌های کلاسی، در وطنکده (داخل حیاط)، در طبقه پایین و در طبقه بالا هم یک کتاب‌خانه دارد که همگی به روش باز اداره می‌شوند.

#کودک محوری و ایجاد فرصت و بستری برای بیانگری:

کودک دارای حق آزادی بیان است؛ این حق شامل آزادی در جست‌وجو، دریافت و دست‌یابی به اطلاعات و عقاید است، بدون توجه به مرزها و به شکل شفاهی یا چاپ شده و از طریق آثار هنری یا

هر رسانه دیگری که کودک برگزیند.

دیوار آرزوها: روی یکی از دیوارهای این مدرسه تعداد زیادی کاغذ رنگی قلبی شکل دیده می‌شود که بچه‌ها روی آن‌ها آرزوهایشان را می‌نویسند. و تشویق می‌شوند تا برای رسیدن به آرزوهایشان تلاش کنند و معمولاً در مراکز مهارت‌آموزی به آن‌ها کمک می‌شود تا به آرزوهایشان دست یابند.

صندوق پیشنهادات: این صندوق در اغلب مدارس وجود دارد اما تجربه نشان داده است که بیش‌ترشان بعد از مدتی مسکوت می‌مانند، شاید چون بچه‌ها جواب متناسب با نیازشان را دریافت نمی‌کنند. خوش‌بختانه این صندوق در صبح‌رویش فعال است. به این صورت که بچه‌ها نظراتشان را می‌نویسند و مدیر و مسئولین جواب را در پاکت‌های رنگی گذاشته و پایین صندوق قرار می‌دهند.

زنگ شادی: یک زنگ دار آویزان در راهروی مدرسه نصب شده تا هر وقت، هر کدام از ساکنین مدرسه حالش خوب بود، نخعی که به آن وصل است را تکان دهد و حال خویش را مثل یک ویروس در مدرسه پخش و همه را شاد کند (کاش همه ویروس‌ها ناقل شادی بودند).

#پذیرش دیگری و احترام به تفاوت‌ها

در پیمان نامه حقوق کودک، بر ضرورت انطباق پذیر بودن و انطباق پذیرماندن نظام آموزشی تأکید شده است. در همین راستا هم در بخشی از این پیمان نامه عنوان شده که اگر کودکان در جامعه‌ای در اقلیت قرار دارند، باید بتوانند از فرهنگ خود بهره‌گیرند، آیین‌های مذهبی خود را به کار ببرند و به زبان مادری خود سخن گویند.



الگوی رویش مجموعه‌ای است از ایده‌های آموزشی که به روابط انسانی از جمله پذیرش دیگری و احترام به تفاوت‌ها می‌پردازد و تمام برنامه‌های آموزشی مدرسه رویش بر اساس این الگو انجام می‌شود از جمله: صفحه‌مارپیچ، دهکده، دیوار کنیف، وطنکده و ...

وطنکده: اتاقی است شبیه مکتب خانه‌های قدیم، باریک و دراز، فرش شده با چند پستی و میز و کتاب‌خانه‌ای کوچک. پستی‌ها را دخترها و میزها را پسرها درست کرده‌اند. بچه‌ها هر کدام پشت این میزها می‌نشینند و کتاب‌هایی را با موضوعات تاریخ، ادبیات، قرآن و ادیان می‌خوانند، مثل مرزبان‌نامه و

شاهنامه. در کنار آن هم فیلم‌هایی را با همین مضامین تماشا می‌کنند و از این طریق با فرهنگ ایرانی و اسلامی آشنا می‌شوند.

در وطنکده بچه‌ها با تفاوت‌های قومی و محلی آشنا می‌شوند، سرزمین مادری و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند را بهتر و درست‌تر می‌شناسند و پیوندهای فرهنگی را پیدا می‌کنند. درس نخست دموکراسی، پذیرش فرهنگ‌ها و گوناگونی باورها است و آن‌ها در این محیط با تنوع فرهنگی آشنا می‌شوند.



#خشونت علیه کودکان و از جانب کودکان:

پروژه‌های تحقیقاتی متعددی به شناسایی علت خشونت اختصاص یافته‌اند، بر مبنای این فرض که «خشونت یک بیماری قابل پیش‌گیری است» چنین تشخیصی معمولاً به جست‌وجوی درمان یا یک جبران ساده ختم می‌شود. این مسئله از این فرض ضمنی سرچشمه می‌گیرد که خشونت می‌تواند توضیح داده شود، علت و معلول (معلولیت) آن شرح داده شود، انواع مختلف مرتکبان خشونت طبقه‌بندی شوند و متعاقباً خشونت از میان برداشته شود. خشونت مقوله‌ای است که با توجه به شرایط کودکان کار و کودکان در بحران، به اندک تلنگری ممکن است برانگیخته شود. به گفته مسئولین مدرسه، کودکان سطوح مختلفی از خشونت را بروز می‌دهند که از آسیب به دیگری گرفته تا آسیب به خود در میان آن‌ها دیده می‌شود. اما در این مدرسه راهکارهایی عملی و دل‌نشین به کار بسته شده است تا از این حجم خشونت کاسته شود.

دیوار گتیف: در مدرسه صبح‌رویش، دیوار یک راهروی باریک به بچه‌ها اجازه می‌دهد تا هر چه در دل دارند و یا خشمشان را با مدادهایی که از دیوار آویزان است بیان کنند. این دیوار چند مدت یک‌بار توسط مشاورین مدرسه بررسی و مشکلات احتمالی بچه‌ها مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

میز گفت‌وگو: اگر در این مدرسه خشونتی اتفاق بیفتد، بچه‌هایی که در خشونت درگیر بوده‌اند دور یک میز می‌نشینند و درباره‌اش

گفت‌وگو می‌کنند. نقش مشاور در این نشست داوری است نه مداخله. او تسهیلگری می‌کند تا بچه‌ها به تفاهم برسند و این یک تمرین عالی برای گفت‌وگو، آن هم در حساس‌ترین وضعیت یعنی پس از یک تنش هیجانی یا یک دعوی مفصل است.

تمرین مهرورزی: در صبح‌رویش فضا به گونه‌ای رقم خورده است که بچه‌های بزرگ‌تر حامی کوچک‌ترها هستند و این امر کمک می‌کند تا آن‌ها مهربانی و یک‌دلی را در کنار هم تمرین کنند.

#توجه به باورها و ارزش‌های موجود در متن زندگی کودکان

ایجاد فرصت برای کودکانی که کار می‌کنند، به منظور «یادگیری و درآمد داشتن»، به این دلیل است که افراد فقیر از جمله کودکان، به کار کردن برای بقا نیاز دارند. در نتیجه برای این کودکان آموزش تمام‌وقت، اغلب امری اضافی و تجملی در نظر گرفته می‌شود تا یک حق اساسی، و تغییر این واقعیت تلخ به تعهد سیاسی و مالی هنگفتی نیاز دارد. توجه به جامعه محلی در تمام بخش‌های این مدرسه به چشم می‌خورد. مسئولین مدرسه خوب می‌دانند جدا کردن کودک از بافت فرهنگی‌ای که از آن برآمده، می‌تواند همین آموزش اندک را نیز از او بگیرد. آن چه برای بچه‌های کار ارزش محسوب می‌شود دقیقاً همین کار آن‌هاست، حتی بعضی از آن‌ها این کار را شغل خانوادگی خود می‌دانند. در صبح‌رویش با در نظر گرفتن این نگاه، سعی می‌شود به تدریج و نه یک‌باره، با بالابردن عزت نفس در آن‌ها، تغییراتی در باورهایشان در این خصوص ایجاد شود. همین رویکرد باعث جلب اعتماد خانواده‌ها و رضایت آن‌ها برای فرستادن‌شان به مدرسه شده است.

یکی از نمونه‌های درک سبک زندگی این بچه‌ها، تحقیق شعار کیف در مدرسه است. براساس این باور بچه‌ها بنا به شرایط خاصشان هر چه باید یاد بگیرند را در مدرسه می‌آموزند و خبری از درس و کتاب و مشق شب در منزل نیست، زیرا بچه‌ها مجبور هستند بعد از مدرسه به بافت زندگی مملو از جبر خود برگردند و بار دیگر در نقش یک کودک کار یا کودکی در شرایط آسیب‌ناظر شوند.

برنامه‌های آموزشی ممکن است فقط با در نظر گرفتن کودکانی تنظیم شود که به مقاطع بالاتر آموزشی می‌روند و در نتیجه آن‌هایی که نمی‌توانند به مقاطع بالاتر راه یابند از این برنامه‌ها باز می‌مانند. این برنامه‌ها اغلب توسط گروه‌های متخصصی تدوین شده‌اند که دانش‌آموزان را برای سطح بعدی آموزش آماده می‌کنند؛ این در حالی است که بسیاری از کودکان قادر به پیش رفتن تا آن مرحله نیستند. در نتیجه،

جذابیت این آموزش برای دانش‌آموزان و والدین این گروه از بین می‌رود. اضافه شدن مقطع متوسطه به بدنه صبح‌رویش: نیاز به ادامه تحصیل در مقطع تحصیلی دبیرستان، رفته‌رفته در بچه‌ها و خانواده‌هایشان ایجاد شد و وقتی مسئولین مدرسه هم متوجه این نیاز شدند، مقطع متوسطه دوره اول به بدنه مدرسه اضافه شد. در نهایت با تلاش فراوان، این اتفاق رخ داد و حالا بچه‌هایی توانند تحصیلات خود را تا دوره متوسطه ادامه دهند.



#کار، منطبق بر حقوق انسانی

در سال ۱۹۲۱، سازمان بین‌المللی کار در مقاله نامه شماره ده این سازمان، کاری که حضور کودکان در مدرسه را تحت تأثیر قرار دهد ممنوع، و حداقل سن برای کار را ۱۴ سال اعلام کرد. با این اقدام سازمان بین‌المللی کار، میان سن تکمیل آموزش اجباری و حداقل سن استخدام ارتباط برقرار کرد. این ارتباط تقریباً به فراموشی سپرده شده بود تا این که جنبش جهانی اخیر در راستای حذف کار کودک، توجه‌ها را به کودکانی که کار می‌کنند، جلب کرد. لازم به ذکر است سال ۲۰۲۱ سال حذف کودکان کار نامیده شده است.

جوانکده: یک ساختمان سه طبقه بدقواره؛ طبقه اول آگاهی، طبقه دوم جوانکده و طبقه سوم شهرداری ناحیه است. خوش بختانه جوانکده در مجرای دارد که یک‌باره از آن محله و ساختمان، وارد مکانی از جنسی دیگر می‌شویم. در حیاط کوچکی که حفاصل ورودی تا ساختمان است، سقفی از توپ‌های پلاستیکی بالای سرمان، کودکی را تداعی می‌کند و گل‌خانه‌ای که خود بچه‌ها آن را سبز نگه داشته‌اند.

جوانکده با تجهیزات مطلوب، برای آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای برای بچه‌های ۱۲ تا ۱۸ سال طراحی شده است، اما به دلیل استقبال، بچه‌های ۸ سال به بالا را نیز می‌پذیرد. مهارت‌های مختلفی چون آشپزی، خیاطی، مکرومه‌بافی، نجاری، جوشکاری، صحافی، نقاشی، مکانیکی، کامپیوتر، مهارت‌های ورزشی و... در کارگاه‌ها آموزش داده می‌شود. برای ثبت نام در جوانکده به مدرکی خاص نیازی نیست. بچه‌ها برای شرکت در این کلاس‌ها بنا به علاقه خود،

فقط روی تابلوی ورودی کارگاه اسم خود را می‌نویسند. در حال حاضر نزدیک به ۱۰۵۰ دانش‌آموز پسر و دختر مشغول مهارت‌آموزی هستند که توسط نیروهای جوان، علاقه‌مند، شاد، پُرانگیزه و صبور و بعضاً به صورت کاملاً افتخاری اداره می‌شود. کلیه تجهیزات و هزینه‌های جوانکده توسط افراد خیر خریداری و پرداخت می‌شود.

هدف اصلی جوانکده علاوه بر مهارت‌آموزی، آمادگی برای ورود به بازار کار است؛ کاری منطبق با حقوق انسانی. بنابراین در قدم اول، درباره کاری که به معنای واقعی به عنوان کار پذیرفته شود، حقوق و مزایا داشته باشد و از همه مهم‌تر عزت نفس آن‌ها را حفظ کند فرهنگ‌سازی و نسبت به آسیب‌های جسمی و روحی کارهایی که حقوق انسانی آن‌ها را زیر سؤال می‌برد، آگاه‌سازی صورت گرفت. بعد از یادگیری این مهارت‌ها هم، بسته به شرایط زندگی‌شان به شرکت‌های مختلف فرستاده شدند تا در ابتدا به عنوان کارورز و در صورت موفقیت، به طور ثابت کارشان را ادامه دهند. اما داستان به این سادگی‌ها هم نیست. به گفته خانم قاسمی مسئول جوانکده، آن اوایل مقاومت‌هایی از سوی خانواده‌ها و خود بچه‌ها دیده می‌شد و تیم جوانکده بعد از بررسی متوجه نقش خانواده در عدم همکاری بچه‌ها برای داشتن یک شغل با حقوق انسانی استاندارد شدند. بنابراین در این فرآیند خانواده را دخیل و آن‌ها هم در کارگاه‌ها شرکت داده شدند و همین مشارکت باعث شد تا مقاومت‌ها شکسته و خود خانواده‌ها به بخشی از این فرآیند تبدیل شوند. به این ترتیب آن حلقه گمشده با تحقیق و بررسی‌ها پیدا شد.

خلاصه کلام

صبح‌رویش یک مدرسه نیست؛ یک زیستگاه است. جایی که بچه‌ها با عشق، انگیزه و به دور از هر اجباری سرکلاس درس حاضر می‌شوند. مدرسه صبح‌رویش حالش خوب است چون بچه‌ها با وجود مشکلات بسیار، به خواست خودشان آمدن به مدرسه را انتخاب کرده‌اند؛ چون تیم‌های توانمندسازی، روان‌کاو، مددکاری، تیم خوشنامی، روابط عمومی، پشتیبانی و مالی همه به صورت داوطلب و نیمه داوطلب با جان و دل آمده‌اند، تا به کم‌ترین حق کودکان که داشتن محیطی امن و سوادآموزی است پاسخ گویند. هرچند صبح‌رویش در مسیر ایجاد مکانی با حقوق انسانی برای کودکان کار به همراهی بیش از پیش نهاد‌های مربوطه و خیرین نیاز دارد، اما آن‌ها انگیزه‌شان دریایی است و مشکلات برایشان موانع غیرقابل نفوذی به حساب نمی‌آید. صبح‌رویش زرق و برق ندارد، اما منبعی است غنی برای الهام مدرسه‌داران. ■